

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.317206.2713>

Analysis of Frameworks of Tolerance in the Intellectual Indicators of Iranian Religious Modernists and Liberalism

Abstract

Liberalism, as a term of political thought, has many meanings. The main reason for this research was that what is the relationship between the concept of tolerance in the school of liberalism and tolerance among religious intellectuals in Iran? In this regard, it was assumed that the framework and intellectual characteristics of Iranian religious modernists have profound differences in the field of values and moral education with liberal ideas. This research is applied in terms of purpose and descriptive research in terms of correlational research, which has studied the subject by relying on the library function. Studies have shown that this value has the same meaning in the two schools. But there is also a subtle difference in this value. If tolerance is used as a moral attribute meaning easy-going, tolerance, chivalry, foresight and freedom, it is approved by Islam. But tolerance means complete indifference to the moral beliefs and behaviors of individuals and groups leading to moral relativity. Accordingly, anyone can have any kind of moral beliefs and behavior.

Keywords: Tolerance, Liberalism, Islam, Religious Modernists

تحلیل چارچوب‌های تساهل و مدارا در شاخص‌های فکری نواندیشان دینی ایران و لیبرالیسم

سید امیر حسینی جو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۴

سعید اسلامی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۶

کمال پولادی^۳

چکیده

لیبرالیسم به صورت یک اصطلاح اندیشه سیاسی، معانی زیادی داشته است. این اصطلاح دلالت دارد بر دیدگاه یا خط مشی‌های کسانی که گرایش اولیه‌شان در سیاست و حکومت کسب یا حفظ میزان معینی آزادی از قید نظارت یا هدایت دولت یا عوامل دیگری است که ممکن است برای اراده انسانی نامطلوب به شمار آید. سوال اصلی در این پژوهش اینگونه مطرح شد که چه نسبتی میان مفهوم مدارا در مکتب لیبرالیسم با مدارا در نزد نواندیشان دینی در ایران می‌توان برقرار نمود؟ در این راستا چنانچه فرض شد که چهارچوب هاوشاخص‌های فکری نواندیشان دینی ایران افتراق‌های عمیقی در حوزه ارزش‌ها و تربیت اخلاقی با اندیشه‌های لیبرالیسمی دارد. این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه انجام از نوع تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که با تکیه بر نابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است. بررسی‌ها نشان داده است که این ارزش‌ها در مکتب مذکور مفهوم یکسانی دارد. اما در مورد این ارزش نیز تفاوت ظریفی وجود دارد. اگر تساهل به منزله صفتی اخلاقی به معنای آسان گرفتن، مدارا کردن، جوانمردی، بلندنظری و آزادگی به کار رود مورد تأیید اسلام است. اما تساهل به معنی بی‌تفاوتی کامل نسبت به باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه‌های مختلف به نسبت اخلاقی می‌انجامد. بر این اساس هرکس می‌تواند دارای هر نوع باور و رفتار اخلاقی باشد و دیگران نه تنها نباید برای او مزاحمتی ایجاد کنند بلکه باید گوناگونی و تفاوت را توصیه و تشویق نمایند.

کلید واژه: تساهل و مدارا، لیبرالیسم، اسلام، نواندیشان دینی

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، ahoseinjo49@gmail.com^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)، eslameesaed44@gmail.com^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، kamal.pouladi@gmail.com

«تساهل» و «مدارا»، به مفهوم مثبت و اسلامی آن، معنایی کاملاً اخلاقی- ارزشی دارد. مدارا و تساهل را از ابعاد مختلف می‌توان تقسیم‌بندی نمود. تساهل فکری- عقیدتی در مقام نظر و اندیشه، که ناظر بر آزادی افراد در پذیرش هر نوع فکر و اندیشه مخالف است. تساهل عقیدتی در مقام اجازه دادن به افراد یا گروه‌ها برای بیان یا تبلیغ و اعمال اندیشه‌ها و آرا (محمودی ۱۳۷۶: ۱۴۵). تساهل هویتی، که ناظر به تساهل در ویژگی‌های غیراختیاری، همچون جنس، نژاد، ملیت، رنگ و فرهنگ صاحبان آنهاست و به نوعی منادی همزیستی مسالمت آمیز افراد انسانی است. تساهل رفتاری، که به تساهل در رفتارهای فردی و اجتماعی در عرصه تعاملات اجتماعی و مناسبات گروهی اطلاق می‌شود. تحمل و مدارا با مخالفان و شنیدن عقاید آنها، یکی از رفتارهای پیامبر اسلام (ص) بود که قرآن آن را تأیید کرده و برای جامعه مفید می‌داند. به‌عنوان مثال، خداوند به مؤمنان توجه می‌دهد که پیامبر بسیاری از حرف‌ها را می‌شنود و حتی تصدیق می‌کند با آنکه می‌داند برخی از آنها باطل است، از باب اینکه نمی‌خواهد به شما سخت‌گیری کند (توبه: ۶۱).

در تبیین دیدگاه اسلام در این زمینه به این نکته باید اشاره کرد که مدارا، به حرکتی جهت‌دار و در عین حال، ملایم در برخورد با دیدگاه‌های مغایر گفته می‌شود. در این تعریف، دو عنصر اساسی وجود دارد؛ نخست، جهت‌دار بودن حرکت، و دوم، برخورد ملایم آن با دیدگاه‌های مغایر. حذف هر یک از این عناصر، مانع از آن خواهد بود که تصویر درستی از مدارا، چنان که مورد نظر اسلام است، فراهم گردد (باقری، ۱۳۸۷: ۴). «کثرت‌گرایی»، که به مثابه یکی از آموزه‌های اساسی سنت لیبرال است، بر این نکته تربیتی تأکید دارد که هر طرح زندگی، به طور برابر خوب است و همه عقاید و ارزش‌ها اجازه ظهور دارند و افراد می‌توانند اهداف و روش‌های مورد علاقه خویش را در زندگی انتخاب و براساس تمایلات و منافع شخصی خویش عمل نمایند. بنابراین، کثرت‌گرایی بر ایده عدم جانبداری از ارزش‌ها و نظام‌های اخلاقی خاص استوار است (محمودی، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

با توجه به آنچه بیان شد، نویسنده در این پژوهش در نظر دارد با تدقیق در منظومه فکری نواندیشان دینی ایران همانند سید جمال اسدآبادی، میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی، سیدحسن تقی زاده، فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف، جلال آل احمد، مهدی بازرگان، علی شریعتی، عبدالکریم سروش، داریوش شایگان، امام خمینی و سایرین، و جان لاک، جان استوارت میل، نسبت‌پذیری مدارا در مکتب لیبرالیسم و مکتب اسلام را مورد بررسی قرار دهد.

۲- پیشینه تحقیق

- داسه و همکارانش (۱۳۹۷)، در مقاله خود عنوان کرده‌اند: باوجود اقبال عمومی و علمی به مفهوم مدارا، به ویژه در آغاز قرن بیست و یکم، هنوز از لحاظ مفهومی و نیز سنخ‌شناسی، عقب مانده و توسعه نیافته است. این مسئله در ایران به مراتب حادتر است، چراکه پژوهش درباره مدارا عمدتاً متوجه ریشه‌های ادبی- دینی شده و معدودی نیز به پژوهش‌های کمی پرداخته‌اند، در نتیجه تمرکز را از مبانی و ریشه‌های مدارا به ظواهر آن فروکاسته است. از این رو، نه تعریف دقیق، روشن و مورد اجماعی از مدارا وجود دارد و نه دایره مفهومی مدارا به دقت تعیین شده است. بنابراین، اگر همه این تعاریف را باهم درآمیزیم، می‌توانیم به جوهر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی واحد دست یابیم و به تعریفی جامع‌تر، جهان‌شمول‌تر و همگانی‌تر برسیم: مدارا، فضیلتی

اخلاقی است که منعکس کننده پذیرش تمایلات، اعتقادات، نگرش‌ها، آداب و رسوم و رفتار دیگران است. این فضیلت می‌تواند نه تنها بر مبنای قانون و حق، بلکه تکلیف باشد.

- رشید کرشان و صباغ (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان جامعه‌شناسی تحولات تجدد در ایران، بیان داشتند که: عملکرد روشنفکران ایرانی با پدیده تجدد را در این دوره می‌توانیم روی طیف سه‌گانه «نفی، نقد و اثبات» بررسی کنیم. هر کدام از این سه دسته، به اعتبار گرایش فکری خود، سهمی در ساماندهی نظام فکری جامعه در موضوع تجدد داشته‌اند. در مجموع می‌شود گفت میراث و جوهره اصلی تجدد را باید در منظومه فکری روشنفکران ایرانی جستجو کرد. خلوص شناخت و دلبستگی روشنفکران به تجدد و اصول و دستاوردهای آن، هم نسبت به حاکمان و هم نسبت به روحانیت بیشتر بوده است. همچنین، روشنفکران ایرانی، بیشتر به وجه غیرمادی، فرهنگی و ایدئولوژیک تجدد نظر داشته‌اند.

- قربانزاده سوار، امید پور (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان مطالبه اصلی نسل اول روشنفکران ایران: تحدید قدرت سلطنت، چنین بیان نموده است که خواسته اصلی این روشنفکران، محدودیت قدرت سلطنت برای تأمین حقوق مردم با حاکمیت قانون بود که در قالب نقد سلطنت مطلقه استبدادی و حمایت از سلطنت معتدله‌ی مشروطه و حقوق مردم بیان می‌شد که از شاخصه‌های چارچوب نظام مفهومی لیبرالیسم است و بر تحدید قدرت حکومت و تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه برای تأمین حقوق شهروندی مردم تأکید دارد.

- شاهنده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تساهل و تسامح از نظرگاه اسلام و لیبرالیسم چنین نتیجه‌گیری نموده: در آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) و دین مبین اسلام مساله تسامح و تساهل مورد توجه قرار گرفته است مقصود از تسامح و تساهل مثبت، آن مواردی از تسامح و تساهل است که اسلام نگاه تأییدی و مثبت به آن دارد و مقصود از تسامح و تساهل منفی، نقطه مقابل آن است جمع بندی این بخش از بحث این است که اسلام نه به صورت مطلق بر روی تسامح و تساهل مهر تأیید می‌زند و نه به صورت مطلق آن را نفی و محکوم می‌کند به دنبال آن در ضمن یک بحث تطبیقی تحقیقی به تفاوت‌های اساسی دیدگاه اسلام و لیبرالیسم در مورد تسامح و تساهل اشاره شده است اسلام و لیبرالیسم در این مورد هم در مبنای آن با هم اختلاف نظر جدی دارند. آن چه در این تحقیق، بررسی شده است تسامح و تساهل در اسلام و آموزه‌های پیامبر اعظم است پس از مفهوم شناسی تسامح و تساهل، به دیدگاه اسلام و آموزه‌های پیامبر اعظم در این موضوع پرداخته شده است.

- امورو همکارانش (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان مدارا و تساهل در عصر کثرت‌گرایی (بررسی تساهل دینی در پرتو کثرت ادیان از دیدگاه امام خمینی)، انجام داده و چنین نتیجه‌گیری نموده است: دیان بزرگ ابراهیمی امروز در برابر هجوم اندیشه‌های الحادی قرار گرفته‌اند. باید پاسخ‌گویی انتظارات بشر این عصر از دین باشد به ویژه با رشد افراطی‌گری و جنبش‌های تکفیری، چهره دین، مخصوصاً دین اسلام، خشن و جنگ طلب و غیر عقلانی جلوه داده شده است از این رو گفتگوی ادیان برای رسیدن به مواضعی واحد و تساهل و همزیستی مسالمت آمیز مذهبی اجتناب ناپذیر می‌نماید. این مقاله بر آن است که مبنایی برای گفتگوی ادیان و مذاهب تبیین کند که ریشه در باطن دین دارد مهم ترین سوالی که در این نوشتار در صدد پاسخ‌گویی به آن هستیم، این است که آیا دین اسلام، به عنوان دینی که ادعای جاودانگی، جهان‌شمولی، جامعیت و خاتمیت می‌کند، می‌تواند پذیرای کثرت باشد گرچه در علوم اسلامی کلاسیک مساله کثرت‌گرایی دینی به صورت موضوعی مستقل مورد بحث قرار نگرفته است، اما دین اسلام توجه بسیاری زیادی به این مساله نشان داده است از این رو، ادعا این است که می‌توان بر اساس اصول بنیادین بیان شده در قرآن و سنت، تبیینی معقول از نوعی کثرت‌گرایی اسلامی عرضه کرد. بنابراین،

در این نوشتار به دنبال تبیینی از کثرت‌گرایی اسلامی براساس دیدگاه قرآنی امام خمینی (ره) خواهیم بود که تفاوت بنیادین با تبیین جان‌هیک دارد و امکان گفتگوی دینی و صلح جهانی را بر مبنای مشترکات ادیان فراهم می‌کند.

حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و پیمان خواجه‌جوی (۱۳۹۵) در کتاب خود با عنوان مقدمه‌ای بر سیر تطور منوالفکری در ایران (از قاجاریه تا انقلاب اسلامی)، تلاش کردند با استفاده از نظریه گفتمان، پردازشی نو از موضوع روشنفکری ایرانی داشته باشد. ادعای مطرح شده در این کتاب آن است که بین سیر تحولات اجتماعی — سیاسی ایران و ظهور گفتمان‌های روشنفکری، رابطه معناداری وجود دارد. گفتمان‌های روشنفکری در ایران در بستر پدیده‌های سیاسی — اجتماعی بروز و ظهور یافته‌اند و مطالعه این اندیشه‌ها بدون در نظر گرفتن این بستر عمدتاً مطالعه را به انحراف می‌برد. بر این اساس به نظر می‌رسد، نمی‌توان برای روشنفکری ایرانی، تعریفی ارائه داد که بتواند همه زمان‌ها و مکان‌ها را در برگیرد؛ بلکه باید براساس نشانه‌های حداقلی، آن را در درون گفتمان‌های مختلف جستجو و از آن تعیین مراد کرد. سه عامل نظام قدرت، اسلام و غرب در ظهور گفتمان‌های سیاسی — اجتماعی در ایران نقش ویژه‌ای داشته‌اند.

— اعرابی، امامی و حیدری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی ارزش‌ها در اسلام و لیبرالیسم و دلالت‌های تربیت اخلاقی آن» عنوان کردند: تساهل و مدارا در دو مکتب اسلام و لیبرال، مفهوم یکسانی دارد. اما در مورد این ارزش نیز، تفاوت ظریفی وجود دارد که دانستن آن خالی از فایده نیست. تساهل را از یک جهت می‌توان به تساهل منفی (سلبی) و تساهل مثبت (ایجابی) تقسیم نمود. تساهل منفی عبارت است از: عدم دخالت در افکار، عقاید، شیوه زندگی، علایق فرهنگی و آیین عبادت مردم. مفهوم تساهل مثبت، حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخوردار شدن آنان، به ویژه اقلیت‌ها، از فرصت‌های برابر در جامعه است. نکته قابل تأمل اینکه تساهل مثبت یا ایجابی، مرحله‌ای فراتر از تساهل منفی (سلبی) است. در حقیقت، تساهل مثبت معنای تکامل یافته تساهل است. در تساهل مثبت، عامل تساهل، نه تنها اصل تفاوت‌ها را می‌پذیرد، بلکه آن را امر طبیعی دانسته، برای رشد آنها می‌کوشد و هر نوع اندیشه، عمل و روشی را که سبب مهار و کاستن این تفاوت‌ها شود، نادرست می‌شمارد.

— نورانی و حمیدیه (۱۳۸۴) در پژوهشی به بازشناسی لیبرالیسم پرداخته است. در این پژوهش چنین عنوان شده است که شاکله اصل مدارا به نحوی است که نه می‌توان آن را به عنوان یک اصل کلی پذیرفت و نه می‌توان آن را کاملاً کنار گذاشت. این مالا بدان معناست که نمی‌توان اصل مدارا را به عنوان یک اصل کلی موجه پذیرفت. هنگامی که مسأله برخورد و اختلاف دیدگاه در مورد اصول جامعه لیبرال پیش می‌آید، رسیدن به سازش دشوار و حتی نامطلوب به نظر می‌رسد و همین نشان می‌دهد که مدارا نمی‌تواند به عنوان یک اصل کلی در کنار اصول کلی دیگر موجه باشد.

— اسماعیلی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان قلمرو تساهل و تسامح در نظر شهید مطهری تأکید دارد که اسلام، دین سمح و سهله است و بر صلح و دوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و رفتار نرم و از روی رفق و مدارا با دیگران تأکید می‌ورزد و حقوق همه آنانی را که سرچنگ و فتنه‌گری نداشته باشند و به حاکمیت اسلام احترام گذارند، محترم می‌شمارد، ولی از طرف دیگر، بر دفاع از حقانیت خود و اجرای حدود و احکام الهی و حفظ ارزش‌های اسلامی پای می‌فشارد و به هیچ روی از مواضع خود باز نمی‌گردد در راه مستقیم سر بر نمی‌تابد و در برابر فتنه‌ها و دشمنی‌ها به سختی و درشتی تمام می‌ایستد و آن را بالاترین ارزش می‌داند.

این مقاله از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه انجام از نوع تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دلیل اینکه نوعاً کتابخانه‌ای و نظری است و اطلاعات بوسیله ابزارهای سنجش مربوطه نظیر، فیش، کارت و... گردآوری می‌شود. در این مقاله، اندیشه مدارا به عنوان متغیر مستقل و مکتب لیبرالیسم و اسلام به عنوان متغیر وابسته منظور شده است. در این پژوهش از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد. همچنین از ابزار فیش برداری برای گردآوری داده‌ها در بین متون مختلف کتابخانه‌ای، مقالات، جزوات و منابع اینترنتی استفاده خواهد شد. با توجه به روش تحقیق ذکر شده، تحقیق حاضر فاقد جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه است پس بنابراین فاقد ابزاری جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد.

۴- تساهل و مدارا در لیبرالیسم

۴-۱- سپیده دمان مدارا لیبرالیسم

رواداری سیاسی به خویشتن داری قدرت سیاسی مربوط است. دولت قرار است همچون یک داور ثالث یا بیرونی عمل کند، قرار بر این نیست که دولت یکی از طرفین باشد که مستقیماً در روند داوری و نفی نقش داشته باشد. به این ترتیب رواداری سیاسی قایل به آرمانی است که در آن باید داور سیاسی بی رف و بدون جانبداری و تعصب باشد. رواداری سیاسی اکنون مستلزم احترام به حریم خصوصی، جدایی کلیسا از دولت و احترام عمومی به حقوق انسان است. (Fiala, 2004: 116).

۵- تحلیل موضوع

۵-۱- منظومه فکری نواندیشان دینی اسلام در باب تساهل

با توجه به آنچه بیان شد، در این پژوهش با تدقیق در منظومه فکری نواندیشان دینی ایران همانند سید جمال‌اسدآبادی، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، سیدحسن تقی‌زاده، فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف، جلال آل احمد، مهدی بازرگان، علی شریعتی، عبدالکریم سروش، داریوش شایگان، امام خمینی و سایرین، نسبت‌پذیری مدارا در مکتب لیبرالیسم و مکتب اسلام را مورد بررسی قرار دهد (بیات، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

۵-۱-۱- عبدالرحیم طالبوف

عبدالرحیم طالبوف در دوره تحرک فرهنگی و سیاسی قفقاز پرورش یافت و از دانش و فرهنگ سیاسی جدید تأثیر پذیرفت و از پنجاه و پنج سالگی به نوشتن آثار خود پرداخت و اعتبار و احترام بسیار یافت منظور از افکار لیبرالی طالبوف چیزی نیست جز آزادی بشر از قید استبداد و اداره سرنوشت خود به دست خویش. به عبارت دیگر او به لیبرالیسم محض و لجام‌گسیختگی اعتقادی ندارد و بیشتر به آزادی در سایه هنجارهای اجتماعی می‌اندیشد. طالبوف درباره شقوق آزادی می‌نویسد: آزادی به سه منبع اصلی قسمت می‌شود: آزادی هویت، آزادی عقاید، آزادی اجتماع، از این سه چند منبع فرعی مشتق است، از آن جمله آزادی انتخاب، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماع. او در توضیح این پنج مقوله، بارها یادآور می‌شود که آزادی تا به آنجا مجاز است که حقوق افراد و جامعه پایمال نشود، چنانچه در باب آزادی اجتماع می‌گوید: «آزادی اجتماع آن است که جمعیت متفق‌الرأی و متحدالافکار در سر رد یا قبول یکی از مسائل ملکی یا سیاسی هر وقت در هر نقطه خواسته باشند اعضای جماعت خود را به واسطه جراید

اعلان دعوت می‌کنند، در وقت معینه جمع می‌شوند، گفت‌وگو می‌کنند، اقدامات حکومت را تقبیح یا تحسین کرده و درختم گفت‌وگو صورت مجلس را مکتوبا به حکومت محلیه یا مرکزی که لازم است می‌فرستند، اگر آن ایراد و مطالب حاکی یا حامی اکثریت آرای ملت است بی‌تعویق مقبول و گرنه مردود و بی‌نتیجه می‌مانند (نبوی رضوی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۲-۱-۵ میرزا ملکم خان

میرزا ملکم خان اولین نواندیش سنت لیبرالیسم ایرانی می‌باشد، طرح خود را از لیبرالیسم ایرانی با این مطلع آغاز می‌کند. او در تشریح طرح خود از ساختار سیاسی دولت‌ها در دفتر تنظیمات با تشریح انواع حکومت‌ها آغاز می‌کند و با تقسیم انواع حکومت‌ها به جمهوری و سلطنتی از دو نوع حکومت سلطنتی مطلقه و معتدله سخن می‌گوید. او در ادامه این توصیفات نظام مطلوب مورد نظر خویش را برای ایران سلطنت مطلقه منظم می‌داند (ناظم الدوله، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

۳-۱-۵ علی شریعتی

از نگاه شریعتی آنچه بسیار روشن بوده این است که اسلام، دین سکوت و صلح محض نیست که منتظر باشد اگر قدرتی یا حکومتی به آن تجاوز کرد به دفاع از خود بپردازد. اسلام مکتب انقلاب و مبارزه برای استقرار عدالت، آزادی، معنویت و نجات ستمدیدگان تاریخ است. همین باعث شده تا مخالفان و دشمنان به دشمنی و افترازی و منحرف ساختن آن بپردازند. کسانی هم که مرعوب آنان شده‌اند، اسلام را دین سلم و صلح معرفی کنند. در حالی که «اسلام صلح نیست، اسلام جنگ است. نباید از اتهام کشی‌ها و استعمارگران و شبه روشنفکران کاردستی آنها ترسید و جا زد. با بزک و امروزی وانمود کردن اسلام کاری از پیش نمی‌رود، حقیقت را باید آنچنان که هست شناخت، نه آنچنان که می‌پسندند. جهاد را نباید دفاع توجیه کرد. دفاع احکام دیگری دارد و جهاد احکام دیگری. اسلام، جنگ حق و باطل، از آدم تا انتهای تاریخ (آخرالزمان) است.» (کردی، ۱۳۷۸: ۲۹۲).

۴-۱-۵ شبستری، بازرگان و سروش

سخن گفتن از بازرگان، سروش و شبستری، به‌عنوان روشنفکران دینی، به‌عنوان یک روشنفکر عرفی، این اندیشه‌ها را در مواردی به هم نزدیک می‌کند و آن توجه به همه آنها در ذیل مکتب لیبرالیسم بوده و مهمترین ویژگی‌های مشترک آنها عبارتند از:

اندیشه این روشنفکران، نماد تحول نگاه روشنفکری ایرانی است، سروش ضمن استمرار پروژه بازرگان و شریعتی، با الهام‌گیری از آخرین یافته‌ها و تطورات فکری ایشان «بازرگان» آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء» و هم آثار عینی افکار آنان، تلاش کرد تجارب روشنفکران دینی را، با نقد و پیشنهادهایی تازه به‌پیش ببرد. شایگان با سه چهره اندیشگی خود توانسته است از همراهی با جریان بومی گرای روشنفکری ایرانی تا اندیشه‌های جهانیگرا، سیر کند. در چرخش‌های روشنفکری دینی و بومیگرا، آنچه بیشتر قابل توجه است، حضور صریح آموزه‌های مدرنیستی و جهانیگرا در اندیشه‌های سروش و شایگان است. هرچند جذب علم، فن، خرد و توسعه، در انگاره روشنفکران ایرانی، امری پذیرفته شده است، اما گرایش شایگان و سروش به ارزشها و ویژگی‌های تجدید غربی، بیشتر بر پایه جهان‌شمولی و عمومیت داشتن این ارزشها و ویژگیها است (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

۵-۲-۱ جان لاک^۱

نخستین فیلسوفی که در دفاع از مدارا به استدلال نظام وار می پردازد «جان لاک» است. وی در «گفتاری در ۲ باره تساهل» و «نامه ای در باب تساهل» از تساهل / مدارا دفاع می کند و پایه نظری این اندیشه را بنا می نهد. لاک معتقد بود که علت اصلی برخوردهای اجتماعی زمان او، ریشه در اعتقادات شخصی مذهبی دارد.

"موریس کرنستن" نیز دونوع استدلال در دفاع لاک از تساهل و مدارا نشان می دهد: اول اینکه سرکوب، سیاست موثر و کارآمدی نیست. از زور می توان برای واداشتن انسان به انجام دادن حرکات عبادی به شیوه خاص مسیحی استفاده کرد، اما زور نمی تواند انسان را وادار کند که در خلوتگه ضمیرش ایمان یا اعتقادی را بپذیرد. آنچه زور می تواند انجام دهد واداشتن انسان به تظاهر به ایمان و صحیح الاعتقاد بودن است. و به گفته لاک، چنین سیاستی نه فقط بی فایده بلکه از جنبه اخلاقی نیز زیانبار است، چون به پرورش نفاق می انجامد. بدین طریق لاک این استدلال کاتولیک ها را رد می کند که زور (تا چه رسد شکنجه و مرگ) می تواند انسان را به فلاح و رستگاری برساند (کرنستن، ۱۳۷۶: ۶۶).

۵-۲-۲ جان استوات میل

تفکر جان استوات میل در دوران خلاقیت فکری او مبتنی بر قرائت فایده باورانه است اما نوآوری های فکری او بسیار فراتر از اندیشه هایی است که از جانب لیبرال های نسل قدیم یعنی پدرش یا جرمی بنتام پیش کشیده شده بود.

۵-۲-۳ کاستلیون

کاستلیون اهل فرانسه و پروتستان بود. او از اولین دوستان کالون بود که بعدها به شهر ژنو، مرکز کالونیستها، رفته و به جرگه آنان وارد شد اما دیری نپایید که به خاطر عقاید آزادی خواهانه اش و مخالفت با عدم تساهل کالونیستها و همچنین به دلیل آزار و شکنجه ای که از سوی این فرقه بر مخالفان اعمال می شد، از آنان کناره گرفت کاستلیون در سن چهل و هشت سالگی در فقر و تنگدستی دیده از جهان فرو بست و کالون مرگ زودرس او را ناشی از داوری عادلانه خدای دادگر خواند. کاستلیون در دو اثر خویش به نام های «پندی به فرانسه پریشان» و «ر ساله کژدینان» به دفاع از تساهل می پردازد.

۵-۲-۴ پیر بیل

پیر بیل نویسنده و متفکر پروتستان مذهب فرانسوی که به هلند تبعید شده بود در باب مدارای دینی به تامل پرداخته و رساله ای تحت عنوان «در باب تساهل عمومی» در سال ۱۶۸۶ به رشته تحریر درآورد.

هسته مرکزی اندیشه بیل در دفاع از تساهل را تمایزگذاری بین «عقل و ایمان» و عدم دستیابی به یقین تشکیل می دهد. در واقع عدم دستیابی به یقین که به عنوان اصل و اساس مدارای دینی نخستین بار توسط لاک مطرح شد از

^۱John Locke

سوی بیل همچنان به عنوان پایه نظری دفاع از مدارا دنبال می‌شود. « به نظر بیل طبیعت آدمیان چنان است که به نحو کامل نمی‌تواند حقیقت را بشناسد بلکه همواره بخشی از آن را مورد شناسایی قرار می‌دهد و لذا دائماً به شناختی ناقص دست می‌یابد. او معتقد است که مشکل دست نیافتن به قطع و یقین را تئوری تساهل حل می‌نماید، لیکن نظریه عدم تساهل در مواجهه با این مشکل رنگ باخته و کاملاً کارآیی خود را از دست می‌دهد (گلشاهی، ۱۳۷۷: ۲۹).

۵-۲-۵ جان رالز

جان رالز فیلسوف آمریکایی معاصر و مشهور به دلیل صورت‌بندی یک نظریه عدالت بود. وی از چهره‌های به‌نام فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق در سده بیستم بود. اثر مشهور وی نظریه عدالت یا نظریه‌ای در باب عدالت (چاپ ۱۹۷۱) هم‌اکنون به‌عنوان یکی از منابع کلاسیک فلسفه سیاسی تلقی می‌شود.

جان راولز (۲۰۰۲-۱۹۱۲م) فیلسوف مشهور سیاسی که به جهت نظریه‌ای در رابطه با عدالت در سال ۱۹۷۱ میلادی زبانزد اهل اندیشه شد در گذار تکمیلی خود در سال ۱۹۸۶ و در مقاله‌ای به نام عدالت به مثابه انصاف؛ سیاسی نه مابعدالطبیعی به نظریه بعدی خود یعنی لیبرالیسم سیاسی رسید. نظریه‌ای که راولز در آن تأکید می‌کند که از هر گونه آموزه فلسفی، مابعدالطبیعی و دینی مستقل است و بر برداشت سیاسی از عدالت و مفهوم پایداری^۲ مبتنی است. پایداری‌ای که برای همکاری‌های اجتماعی و تحقق جامعه بسامان ضروری است.

۶-۲-۵ آیزایا برلین

فیلسوف سیاسی، اندیشه‌نگار و نظریه‌پرداز سیاسی و استاد دانشگاه و جستارنویسی بریتانیایی بود. آوازه‌اش در بیشتر عمر مرهون دفاع از لیبرالیسم، گفتگوهای مهم و درخشان، حمله به تحجر، تعصب و تندروی سیاسی و نوشته‌های قابل فهم در زمینه تاریخ اندیشه‌هاست (مجاهدی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

معروف‌ترین کار برلین در نظریه سیاسی، فرقی است که او در نوشته‌ای به نام «دو مفهوم آزادی» (رفیعی، ۱۳۷۶: ۴۲) در سال ۱۹۵۸ میان آزادی منفی و آزادی مثبت می‌گذارد (برلین، آیزایا، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

۶- بحث و نتیجه‌گیری

۶-۱- اسلام و ارزش‌ها

با توجه به کلیاتی که درباره نوع نگاه اسلام به انسان و چگونگی کسب معرفت او بیان شد ارزش‌های اصلی مورد نظر اسلام عبارتند از:

خدامحوری، آزادی، عدل، تساهل و مدارا، تئوکراسی.

۶-۲- لیبرالیسم و ارزش‌ها

با توجه به کلیاتی که درباره مبانی فلسفی لیبرالیسم بیان شد ارزش‌های لیبرالیستی عبارتند از؛

۳-۶- شباهت و تفاوت های اسلام و لیبرالیسم

تمامی موارد در ادامه در جدول ۱ تا ۳ ارائه شده اند.

جدول ۱: تفاوت دیدگاه اسلام و لیبرالیسم (منبع نگارنده)

مؤلفه ها	اسلام	لیبرالیسم
آزادی	آزادی مفهومی فربه تر و وسیع تر به خود می گیرد چون از پشتوانه انسان شناختی واقع بینانه تری برخوردار است. در اسلام علاوه بر این که آزادی بیرونی به شکل آزادی فردی و آزادی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته، نوعی آزادی درونی یا همان آزادی معنوی نیز تعریف شد.	آزادی لیبرالیستی با نفی فشارها و قیود بیرونی تعریف می شود. آزادی در این مفهوم صرفاً حوزه ای است که در آن شخص می تواند بدون اشکال تراشی دیگران عمل کند.
فردگرایی	ابعاد وجودی انسان بدون راهنمایی خالق انسان امکان پذیر نیست. «عقل ورزی» همواره مورد تأکید اسلام می باشد به شرطی که عقل «جایگاهی بدون لغزش» پنداشته نشود و به محدودیت های آن نیز واقع بینانه نگریسته شود. اخلاقی ارزش هایی ثابت و جاودانه اند و گذشت زمان و تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی سبب تغییر و دگرگونی آن ها نمی شود.	انسان را تشویق می کند که با تکیه بر خود و با توسل به عقل بشری راه درست زندگی را بیابد. لیبرالیسم با مطرح موضوع فردگرایی عقل بشری را یکی از مطمئن ترین ابزارهای دسترسی به حقیقت معرفی می کند در حالی که نسبت به آفات و کاستی های عقل انسانی بی توجه است. چنانچه فردگرایی ارزش و هدف بنیادین در نظر گرفته شود ارزش های اخلاقی جنبه فردی و نسبی پیدا خواهند کرد.
عدالت و برابری	گرچه همه انسان ها به واسطه اصل کرامت با هم برابرند، اما نوعی مکانیسم خودکنترلی به نام «تقوا» نیز تعریف شده که به عنوان تنها عامل برتری انسان ها بر یکدیگر ضامن کنترل امیال و تمنیات و در نتیجه تحقق عدالت واقعی در جامعه است.	برابری و عدالت از جایگاه رفیعی برخوردار است. در سنت لیبرالیسم برابری به معنای برابر بودن انسان ها در برخورداری از حق آزادی است که البته ارزشی متعالی و پسندیده است. در صورت تحقق می تواند عدالت سیاسی و اجتماعی را نیز به دنبال داشته باشد. اما محوریت تام و تمام انسان (فردگرایی افراطی) به حاکمیت امیال و تمنیات انسانی بر فکر و عمل او منجر خواهد شد.
تساهل و مدارا	تساهل به منزله صفتی اخلاقی به معنای آسان گرفتن، مدارا کردن، جوانمردی، بلند نظری و آزادگی به کار رود مورد تأیید اسلام است.	تساهل به معنی بی تفاوتی کامل نسبت به باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه های مختلف به نسبت اخلاقی می انجامد. بر این اساس هرکس می تواند دارای هر نوع باور و رفتار اخلاقی باشد و دیگران نه تنها نباید برای او مزاحمتی ایجاد کنند بلکه باید گوناگونی و تفاوت را توصیه و تشویق نمایند.

جدول ۲: منظومه فکری نواندیشان اسلام در باب تساهل (لیبرالیسم) (منبع: نگارنده)

ردیف	نواندیش دینی	منظومه فکری
۱	میرزا ملکم‌خان	انسان را بالفطره آزاد می‌داند و آزادی را مانند حقی بشری توصیف می‌کند. حد آزادی این است که آزادی هیچ کس به حق هیچ کس خللی وارد نیاورد.
۲	عبدالرحیم طالبوف	او بر این اعتقاد است که بشر تا آنجا می‌تواند از آزادی بهره ببرد که منافاتی با زندگی جمعی و حقوق فردی دیگران نداشته باشد.
۳	مهدی بازرگان	گرایش به تساهل و تسامح (تولرانس) و پرهیز از خشونت، مدارا با غرب و کم توجهی به استعمار و توجه افزون به ارزش آزادی
۴	علی شریعتی	انقلابیگری و مقابله با محافظهکاری و سازش، توجه افزون به ارزش عدالت
۵	عبدالکریم سروش	مداراگرایی و نفی خشونت از نظر سروش، یکی از ارکان لیبرالیسم است. سروش، اهل تساهل و مدارا و مخالف خشونت است. مفاهیمی مانند «مدارا»، «تساهل» و «تسامح» فرزندان عدالتند؛ مدارا، تساهل و تسامح به معنای بی‌بند و باری، ولنگاری اخلاقی، علمی و فرهنگی نیست.
۶	شیخ محمد شبستری	با رفتن آزادی، طاغوت می‌آید... طاغوت یعنی سرکشی و سرکشی در برابر نوامیس حاکم بر طبیعت و خلقت، و طاغوتپرستی، یعنی زورپرستی و زورترسی

جدول ۳: منظومه فکری نواندیشان مکتب لیبرالیسم در باب تساهل (لیبرالیسم) (منبع: نگارنده)

ردیف	نواندیش دینی	منظومه فکری
۱	آیزایا برلین	مفهوم آزادی از کلیدی ترین آرای او و به نوعی مرکز ثقل اندیشه های اوست.
۲	جان لاک	مذهب امری شخصی است. وظیفه دولت و کلیسا صرفا تامین دنیوی و اخروی شهروندان است. منافع شهروندان معیار تساهل به کیش ها است و با هر کیشی که با قوانین عرفی و منافع مردم سازگار باشد تساهل می شود.
۳	پیر بیل	تمایز گذاری بین عقل و ایمان و عدم دستیابی به یقین هسته مرکزی اندیشه او در دفاع از تساهل است.
۴	جان استوات میل	در اندیشه او مفهوم مدارا پیوند نزدیکی با مفهوم آزادی دارد. حد اکثر آزادی برای افراد برای حداکثر فایده مندی

۵	کاستالیون	استدلال های اصولی و استدلال های ابزاری (غایات و هدف اعتقادات دینی خیر و خوب است اما ابزار آن یعنی زور و قدرت شر و بد اند.
۶	جان راولز	جامعه باید به حکم عدالت راه تساهل و کثرت گرایی را در پیش گیرد هدف راولز باز گرداندن برابری و احقاق حقوق فردی برای جامعه لیبرال بود که در آن عدالت جایگاهی نداشت، لذا وی در سنت کانتی با بهره گیری از مفهوم عدالت به نگرشی نا واقع گرایانه در اخلاق رسید.

یکی از موضوعات بسیار مهم و مناقشه برانگیزی که در سالیان اخیر بسیار مورد توجه کارشناسان و صاحب نظران سیاسی و اجتماعی و دانشگاهیان قرار گرفته، لیبرالیسم می باشد و هر یک از آنان از منظری خاص آنرا بازخوانی و مورد استفاده قرار قرار میدهند. در این نوشته سعی می شود اصول اساسی لیبرالیسم مورد بررسی و نقد قرار گیرد. لیبرالیسم «مجموعه روش ها و سیاست ها و ایدئولوژی هایی که هدف شان فراهم کردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد است.» تعریف می کنند. هواداران و پیروان چنین عقاید و سیاست ها را معمولاً آزادیخواه (لیبرال) می گویند. از دیدگاه فلسفه سیاسی لیبرالیسم در معنای وسیع آن فلسفه افزایش آزادی فردی و جامعه تا حد ممکن است و دشمن اصلی آن تمرکز قدرت است. از نظر فلسفی نظریه های جان لاک فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم در زمینه ی دولت و حقوق ملت ها پایه ی نظری لیبرالیسم جدید را گذاشت. رنسانس (نوزایش) و جنبش دین پیرایی یا اصلاح دین در قرن شانزدهم به خصوص در جهت مددی که به گسترش شیوه فکری اصالت فرد کرده اند، به رشد لیبرالیسم یاری بسیاری کردند لذا در تحقیق حاضر تحلیل چارچوب های تساهل و مدارا در شاخص های فکری نواندیشان دینی ایران و لیبرالیسم روش تحقیق این پژوهش این مقاله از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه انجام از نوع تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی می باشد. رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دلیل اینکه نوعاً کتابخانه ای و نظری است و اطلاعات بوسیله ابزارهای سنجش مربوطه نظیر، فیش، کارت و... گردآوری می شود. در این مقاله، اندیشه مدارا به عنوان متغیر مستقل و مکتب لیبرالیسم و اسلام به عنوان متغیر وابسته منظور شده است. در این پژوهش از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای استفاده خواهد شد. همچنین از ابزار فیش برداری برای گردآوری داده ها در بین متون مختلف کتابخانه ای، مقالات، جزوات و منابع اینترنتی استفاده خواهد شد. با توجه به روش تحقیق ذکر شده، تحقیق حاضر فاقد جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه است پس بنابراین فاقد ابزاری جهت تجزیه و تحلیل داده ها می باشد. بررسی ها نشان داده است که این ارزش در دو مکتب مذکور مفهوم یکسانی دارد. اما در مورد این ارزش نیز تفاوت ظریفی وجود دارد. اگر تساهل به منزله صفتی اخلاقی به معنای آسان گرفتن، مدارا کردن، جوانمردی، بلندنظری و آزادگی به کار رود مورد تأیید اسلام است. اما تساهل به معنی بی تفاوتی کامل نسبت به باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه های مختلف به نسبت اخلاقی می انجامد. بر این اساس هرکس می تواند دارای هر نوع باور و رفتار اخلاقی باشد و دیگران نه تنها نباید برای او مزاحمتی ایجاد کنند بلکه باید گوناگونی و تفاوت را توصیه و تشویق نمایند.

۸- منابع

- اسماعیل اسماعیلی (۱۳۷۹)، قلمرو تساهل و تسامح در نظر شهید مطهری. نشریه حوزه، شماره ۹۷.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، خواجوی، پیمان، (۱۳۹۵)، «مقدمه ای بر سیر تطور منورالفکری در ایران» از قاجاریه تا انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اراندو، میکائیل (۱۳۸۳)، لیبرالیسم در تاریخ اندیشه غرب»، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر نی.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، مهندس بازرگان و دکتر شریعتی نماد دو سنت روشنفکری دینی، فصلنامه مطالعات تاریخی شماره ۲۹.
- اعرابی، زینب، امامی، راضیه، حیدری، محمد حسین (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی ارزش‌ها در اسلام و لیبرالیسم و دلالت‌های تربیت اخلاقی آن»، فصلنامه پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، شماره دوم.
- امور، اکبر؛ فاطمه نامور و عظیمه فردی، (۱۳۹۵)، مدارا و تساهل در عصر کثرت‌گرایی (بررسی تساهل دینی در پرتو کثرت‌ادیان از دیدگاه امام خمینی)، همایش ملی تسامح و مدارا در فرهنگ ایران و اسلام، اصفهان، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ج ۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری؛ تهران: نشر نی.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱) فرهنگ واژه‌ها، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۷۸)، ابعاد نظری مسئله تساهل. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی، مهناز؛ زهره لطیفی و محمد سلطانی زاده، (۱۳۹۵)، تسامح و مدارا از دیدگاه دین اسلام، همایش ملی تسامح و مدارا در فرهنگ ایران و اسلام، اصفهان، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- حمیدرفیعی، محمدعلی؛ (۱۳۷۶) آیزایا برلین از چهار نگاه؛ ماهنامه جهان کتاب، شماره ۵۳ و ۵۴.
- حمیدرفیعی، محمدعلی؛ (۱۳۷۶) آیزایا برلین از چهار نگاه؛ ماهنامه جهان کتاب، شماره ۵۳ و ۵۴.
- رشید کرشان، روح الله، صباغ، صمد (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی تحولات تجدد در ایران، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره سی و نهم.
- ژاندورن، ژولی سادا، (۱۳۷۸)، تساهل در تاریخ اندیشه سیاسی غرب، ترجمه باقری، عباس، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- قربان زاده سوار، قربانعلی، امید پور، سجاد (۱۳۹۷)، مطالبه‌ی اصلی نسل اول روشنفکران ایران: تحدید قدرت سلطنت، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۱)، پایان سیاست و واپسین اسطوره، تهران: نشر قومس.
- کردی، علی (۱۳۷۸)، شریعتی به روایت اسناد ساواک؛ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳.
- کرنستن، موریس (۱۳۷۷)، «بردباری (کتاب خرد در سیاست)، ترجمه فولادوند، عزت‌الله، تهران: طرح نو، چاپ اول.
- گلشاهی، کریم، (۱۳۷۷)، مقدمه کتاب «نامه‌ای در باب تساهل»، از: جان لاک، تهران: نشرنی، چاپ اول.

- لاک، جان، (۱۳۷۷)، نامه ای در باب تساهل، ترجمه، شیرزاد گلشاهی، کریم، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مجاهدی، محمدمهدی؛ (۱۳۸۰)، صورتی خاص برای تصویری خاص: نگاهی به آیزایا برلین و درنگی در فلسفه سیاسی او؛ فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱.
- محمودی، سیدعلی، (۱۳۷۶)، نظریه آزادی در فلسفه هابز و لاک، ص ۱۴۲.
- مقیمی، سعید (۱۳۹۳)، نظام اندیشه‌ای جان رالز: سرچشمه‌ها و یافته‌ها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره دهم، شماره ۲۹.
- ناظم الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۸۱)، رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله؛ حجت الله اصیل، تهران: نشرنی.
- نبوی رضوی، سید مقداد (۱۳۹۳). «روزگاری که بر تکاپوگران بابی گذشت». تاریخ مکتوم. تهران: پردیس دانش. ص. ۱۳۳.
- نورانی، نورالله، حمیدیه، بهزاد (۱۳۸۴)، بازشناسی لیبرالیسم، فصلنامه راهبرد یاس، سال اول، شماره ۴.
- نیک فر، محمد رضا، (۱۳۷۸)، خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴)، دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: موسسه نشر علوم نوین، چاپ اول.
- زرشناس، شهریار (۱۳۷۸) اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، تهران.
- کیلانی، عرسانی (۱۳۸۹)، فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه بهروز رحیمی، قم، پژوهشگاه حوزه دانشگاه.